

بررسی میزان اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های زنجان

* مهدی قدیمی

دانشگاه زنجان

چکیده

این مقاله بر اساس رویکرد جامعه‌شناختی به بررسی و مطالعه میزان اعتماد اجتماعی پرداخته است. این نوشتار، بر این فرض استوار است که اعتماد اجتماعی (در جایگاه مفهوم اصلی پژوهش حاضر)، یکی از جنبه‌های مهم روابط اجتماعی و زمینه‌ساز همبازی و مشارکت اجتماعی بین اعضای جامعه است. سؤال اصلی این است که آیا میزان اعتماد اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه‌های زنجان به عنوان محور روابط اجتماعی، با ویژگی‌های فردی و موقعیتی دانشجویان و تعاملات اجتماعی آنان با گروه‌های اجتماعی، میزان سرمایه‌های اجتماعی (میزان امنیت اجتماعی، حمایت از نظم اجتماعی موجود، تعهد اجتماعی، انومی اجتماعی، بیگانگی اجتماعی، امیدواری اجتماعی، همبستگی اجتماعی، مشارکت اجتماعی، منزلت اجتماعی، اقتدار اجتماعی و ریسک‌پذیری اجتماعی) رابطه دارد؟ نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که از نظر دانشجویان دانشگاه‌های زنجان بین برخی از مؤلفه‌های اثرگذار بر اعتماد اجتماعی به ویژه (مشارکت اجتماعی، همبستگی اجتماعی، انومی اجتماعی، بیگانگی اجتماعی، امیدواری اجتماعی، گرایش به ریسک اجتماعی، امنیت اجتماعی، حمایت از نظم اجتماعی موجود، تعهد اجتماعی) و اعتماد اجتماعی رابطه شدیدی وجود دارد و این رابطه بین بعضی دیگر از مؤلفه‌ها از جمله (منزلت اجتماعی، اقتدار اجتماعی) حالت متوسطی دارند. در تحلیل نهایی متغیرهای (میزان مشارکت اجتماعی، همبستگی اجتماعی و امنیت اجتماعی) نسبت به سایر متغیرها در ایران برجستگی و نمود خاصی پیدا کرده به طوری که در تبیین و پیش‌بینی اعتماد اجتماعی بالاترین سهم را به خود اختصاص داد. بنابراین در اثرگذار یافته‌های نظری این پژوهش ضمن تأیید رابطه اعتماد اجتماعی با اکثر متغیرهای مورد توجه در دیدگاه‌های خرد، برای دستیابی به دریافتی از پدیده‌های سطح کلان که متضمن اعتماد هستند، سودمند است و عاملی برای تلفیق دیدگاه‌های خرد و کلان در قالب یک چارچوب مفهومی برای «اعتماد اجتماعی» است.

کلیدواژه‌ها: اعتماد اجتماعی، اعتماد متقابل، سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی، همبستگی اجتماعی، امنیت اجتماعی، حمایت از نظم اجتماعی موجود، تعهد اجتماعی، انومی اجتماعی، بیگانگی اجتماعی، امیدواری به ارضای نیاز، ریسک اجتماعی، منزلت اجتماعی، اقتدار اجتماعی.

Investigating the Level of Social Trust and Factors Affecting It among Students of Zanjan Universities

Mehdi Ghadimi, Ph.D.

Assistant Professor, Department of Sociology

Faculty of Letters and Human Sciences, Islamic Azad University (Zanjan Branch)

Abstract

This article is investigating the level of social trust based on social approach. We assume that social trust (as the main concept of this research) is an important aspect of social relations and the cause of social participation among members of society. The main question is whether the level of social trust among students of Zanjan universities, as the pivot of social relations, have relation with personal and situational traits of students, social interactions with social groups, level of social capitals (social security, supporting social discipline, social commitment, social anomy, social alienations, social hope, social correlation, social rank, social power, social ability to risk). Results show that according to students there is a keen relationship between some factors affecting social trust (specially social participation, social correlation, social anomy, social alienations, social hope, social ability to risk, social security, supporting social discipline, social commitment) and social trust. This relationship between some other factors such as (social rank, social power) has a medium state. Thus, In the ultimate analysis of variations (level of social participation, social correlation, social security) in comparison other variations in Iran have become notable in a way that it has gained the most importance in clarification and anticipation of social trust in impressments of theoretical discoveries of this research, while supporting the relation between social trust and most of the variations considered in minor viewpoints, it is useful achiev perception of major phenomenon which include trust and it is a factor in combining minor and major approaches in the form of a conceptual framework for social trust.

Keywords: social trust, mutual trust, social capital, social participation, social correlation, social security, supporting social discipline, social commitment, social anomy, social alienation, hope to meet demands, social risk, social rank, social power.

* دکترای جامعه‌شناسی از واحد علوم و تحقیقات، استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

1 - مقدمه

شاید بتوان گفت مهمترین ویژگی جامعه‌شناختی در کشورهایمانند ایران که به عنوان یک شاخص مهم عمل می‌کند، مسأله فرایند یک گذر تاریخی بزرگ است؛ گذر به انسان اقتصادی، انسان سیاسی، انسان ارتباطی و انسان اجتماعی (شهروند مدار)؛ که اکثر کشورهای پیشرفته به آن رسیده‌اند. از این رو اساسی‌ترین مسأله ما گستردگی و فشردگی تضادهایی است که طی این گذر تاریخی با آن‌ها روبه‌رو خواهیم شد (پیران 1383: 12). بی‌تردید لازمه حیات و شکوفایی مطلوب یک جامعه در حال گذر، رشد و شکوفایی جوانان و به‌خصوص دانشجویان آن جامعه است. در کشور ما سال‌هاست که بحث جوانان و مسایل مربوط به آنان در مقاطع زمانی مختلف از سوی افراد و سازمان‌های مختلف مطرح می‌شود و همیشه مثل تمامی امور، در ادامه کار عقیم می‌ماند. آمارهای نگران‌کننده طلاق، خودکشی، خودسوزی، مصرف مواد مخدر و کاهش سن فحشا در بین جوانان، همگی نشانه‌ای از آینده مبهم و تاریک جامعه است. در مواجهه با این منظومه طیف از مشکلات، گسست یا کاهش سطح روابط اجتماعی به عنوان یکی از مسایل حاد و اساسی در این زمینه است.

در واقع، دغدغه کاهش و گسست روابط اجتماعی، از جمله موضوعاتی است که به کرات در جامعه‌شناسی کلاسیک و معاصر به چشم می‌خورد و شاید بتوان به تعبیری گفت که جامعه‌شناسی مولودی از همین نگرانی‌هاست (شارع‌پور 1380: 61). پس به درستی هرگاه انسان از جامعه می‌برد و در تنهایی غوطه می‌خورد یا دچار حالت انزوای اجتماعی می‌شود، با همان سرعت راه به سوی انحراف، اعتیاد و سایر انحرافات و آسیب‌های اجتماعی و حتی خودکشی می‌برد.

جامعه‌شناسان معاصر برای بررسی کمیت و کیفیت روابط اجتماعی در جوامع، از مفهوم سرمایه اجتماعی بهره جسته‌اند. اما سرمایه اجتماعی چیست؟ و رابطه میان اعتماد اجتماعی با سرمایه اجتماعی چیست؟

منظور از سرمایه اجتماعی، میزان سرمایه و منابعی است که افراد و گروه‌ها از طریق پیوندهای مستقیم و غیرمستقیم با یکدیگر (و نوع این ارتباطات) می‌توانند به‌دست آورند (چلبی 1375: 75).

اگر پرسیده شود که سرمایه‌های اجتماعی چه موقعی به‌وجود می‌آیند، می‌توان پاسخ داد که سرمایه اجتماعی، هنگامی به‌وجود می‌آید که روابط میان افراد، به شیوه‌ای دگرگون شود

که کنش را تسهیل کند. نیز یادآوری این نکته سودمند است که سرمایه اجتماعی به منزله یکی از اشکال سرمایه، با گذشت زمان مستهلک می‌گردد. در کل، اگر روابط اجتماعی حفظ نشوند به تدریج از بین می‌روند و انتظارات و تعهدات نیز با گذشت زمان، ضعیف و ناپدید می‌شوند (کلمن 1988: 152).

طبق دیدگاه محققان، حکومت‌ها به تنهایی نمی‌توانند حکومت کنند بلکه برای اداره امور به دیگران متکی‌اند. به همین دلیل بیش از پیش مشخص شده است که تنها، بخشی از فعالیت‌های مختلف مربوط به زندگی شهری از ابعاد مختلف توسط فرایندها و روابط رسمی تعیین می‌گردد. فرایندهای تولید، مبادله، تصمیم‌گیری و اداره کردن بعضاً از طریق فرایندها و روابط غیررسمی تحقق می‌یابد و لذا دو گروه از فرایندهای رسمی و غیررسمی دائماً در کنش و واکنش متقابل‌اند و عامل اصلی در تداوم این کنش و واکنش‌ها اعتماد اجتماعی است (Devas 2001: 18).

در بستر تعاملات و کنش‌های گروهی، اعتماد، به منزله یک مکانیسم اجتماعی با کارکردهای متعدد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و روانشناسی خود، نقش مهمی را در این زمینه ایفا می‌کند. در واقع زندگی انسان، بدون احساس اعتماد به خود، اعتماد به آینده و اعتماد به جهان پیرامون خود، همراه با اضطراب و کشمکش تحمل ناپذیری است که ممکن است باعث از هم پاشیدگی فرد و نابودی وی شود. اعتماد، رشد انسان و شکوفایی استعدادها و توانایی‌های او را تسهیل می‌کند و رابطه او با دیگران و جهان را به رابطه‌ای خلاق و شکوفا تبدیل می‌سازد تا فرد بتواند آرامش، امنیت و آزادی و استقلال را در کنار دیگران و با دیگران تجربه کند (Putnam 1993: 80). همان طوری که گفته شد، رشد اعتماد اجتماعی در افراد باعث احساس امنیت، آزادی استقلال و همبستگی اجتماعی هر کدام از طرفین رابطه می‌گردد. پس اعتماد، زمانی شکل می‌گیرد که افراد، درباره زندگی و بقای خویش، یعنی آینده و جهان پیرامونشان، امید و اطمینان داشته باشند و بالعکس هر آنچه زندگی و بقای افراد را به خطر اندازد و یا تمامیت وجود مستقل آن‌ها را تهدید کند، اعتمادشان را سلب خواهد کرد.

بنابراین می‌توان در همین مورد به عوامل مؤثر در ایجاد اعتماد و بی‌اعتمادی در جامعه نظر کرد؛ چرا که هر آنچه ثبات و استحکام وضعیت طبیعی، جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه‌ای را ناپایدار و متزلزل کند، امنیت و اعتماد را از مردم آن جامعه می‌گیرد و در نهایت، فرسایش سرمایه‌های اجتماعی را به دنبال خواهد داشت.

2- بیان مسأله (تعاریف مفهومی)

در بیان مفهوم جامعه می‌توان گفت که جامعه از یک عده افراد تشکیل شده است که برای ارضای نیازهایشان باهم روابط اجتماعی دارند. به این ترتیب «هدف» انسان‌ها، ارضای نیاز است و روابط اجتماعی، «وسیله». از این جاست که دانشمندان به روابط اجتماعی به منزله یک واقعیت مهم و مستقل می‌نگرند و آن را در قالب یک رشته خاص به نام جامعه‌شناسی بررسی می‌کنند (رفیع‌پور 1378: 73). علاوه بر ساخت و میزان روابط در یک جامعه، استحکام روابط بین اعضای آن بسیار حایز اهمیت است. استحکام روابط، احساس دوری و نزدیکی افراد نسبت به هم یا احساس پیوند قوی در روابط بین افراد، عامل اساسی در دوام و استمرار این حالت است. انسان‌ها به‌طور ذاتی در تعامل و تقابل با دیگران، نیازهای خود را برطرف ساخته و گذران امور می‌کنند. اثرات این کنش‌های متقابل و نقش آن‌ها تا حدی است که حذف آن زندگی را غیرممکن می‌سازد؛ اما دانشمندان علوم اجتماعی با نگرشی کنجکاوانه در جوامع، به شناسایی این کنش‌ها پرداخته و به مجموع عواملی پی برده‌اند که آن را سرمایه اجتماعی (*social capital*) نامیده‌اند. این مفهوم، در برگرفته مفهیمی همچون اعتماد، همبستگی و وفاق اجتماعی میان اعضای یک گروه یا یک جامعه است (موعدفر 1384: 34). در این راستا مفهوم اعتماد که به منزله یک شاخص کلیدی است، فرایند دگرگون شدن پیوندهای یک سویه به چند سویه است که در آن همبستگی بین افراد افزایش می‌یابد و علاقه آن‌ها نسبت به یکدیگر فزونی می‌گیرد و راه را برای کنترل خود (Self control) هموار می‌سازد. در چنین فضایی، نظارت اجتماعی بیشتر بر اساس احساس خجالت و شرم است تا احساس «ترس و بیم» و افراد از کنترل اجتماعی دیگران بی‌نیازند و این مفهومی است که با سرشت انسان سازگاری زیادی دارد. طبق این دیدگاه، اعتماد متقابل اجازه می‌دهد که تعاملات در جامعه، به صورت گسترده و روان جاری گردد (چلبی 1375: 73). بنابراین، اعتماد یکی از مهمترین نیروهای ترکیبی موجود در درون جامعه است (simmel 1950: 326). یک نوع اجماع آرای عمومی میان اندیشمندان معاصر علوم اجتماعی، حول این موضوع وجود دارد که نتایج آن همچون یک روند سیل‌آسا در سر تیترهای عنوانی انتشارات اخیر به چشم می‌خورد که به عنوان یک مفهوم کانونی نظریات کلاسیک جامعه‌شناسی و نیز محور اصلی تئوری‌های نوین سرمایه اجتماعی و زمینه تعاملات و روابط اجتماعی است (ارمکی 1383: 100). در واقع، گرایش به بررسی اعتماد اجتماعی، به منزله یک مسأله اساسی، به صورت

خارق‌العاده‌ای در حال افزایش تدریجی است و به خصوص در اکثر دانشگاه‌های دنیا، در رشته‌هایی چون جامعه‌شناسی، سیاست، اقتصاد، روانشناسی، تاریخ، فلسفه، مدیریت، مطالعات سازمانی و انسان‌شناسی، این روند، قابل مشاهده است (3: Deihey 2003).

گفته می‌شود که اعتماد اجتماعی حتی بر روی رشد شتابان اقتصادی، افزایش بازده رونق اقتصادی، فراهم کردن سود عمومی، ایجاد همبستگی اجتماعی و همکاری، هماهنگی، رضایت از سطح زندگی، ثبات دموکراسی و توسعه و حتی تندرستی و افزایش امید به زندگی اثرگذار است (3: Newton 2002). اعتماد، همچنین، هسته مرکزی بسیاری از مفاهیم کاربردی موجود در تئوری‌های علوم اجتماعی است که برای تبیین فرایندهای زندگی روزمره از جمله رضایت از زندگی، خرسندی، خوش‌بینی، بهزیستی، تندرستی، رونق اقتصادی، آموزش، رفاه، مشارکت، جامعه مدنی، دموکراسی، مردم‌سالاری و در نهایت تولید علمی به کار گرفته می‌شود. در ضمن، اعتماد اجتماعی، یکی از اجزاء اصلی سرمایه‌های اجتماعی است و معمولاً آن را به منزله یکی از شاخص‌های کلیدی بررسی سرمایه‌های اجتماعی به کار می‌برند؛ حتی در مواقعی می‌توان گفت که بهترین یا تنهاترین شاخص در زمینه بررسی سرمایه‌های اجتماعی است (3: Deihey 2002). همان طوری که گفته شد، اعتماد اجتماعی به منزله یک مقوله اجتماعی، از مسایل اساسی بوده و نمود آن در تمامی سطوح جامعه متبلور است: یک دولت برای اجرای برنامه‌های اصلاحی، یک کارفرما برای بالا بردن تولید محصولاتش، یک سرپرست اداره برای موفقیت در کارش، یک پزشک برای معالجه بیمارش و یک استاد برای افزایش کارایی آموزش‌اش نیازمند جلب اعتماد کسانی هستند که تحت نظارت آن‌ها به فعالیت می‌پردازند و موفقیت آن‌ها در گرو جلب اعتماد زیردستانشان است. اعتماد، تنها یکی از پدیده‌های اجتماعی جالب و بغرنجی نیست که به تازگی پژوهش‌های گسترده‌ای درباره آن انجام گرفته باشد، علاقه‌ای که اخیراً نسبت به این پدیده در آثار اندیشمندانی چون فوکویاما، سلیگمان، گامبتا، گیدنز، لوی، میزتال، پوتنام و آیزنشتاد نسبت به سایر پدیده‌های اجتماعی از قبیل سرمایه اجتماعی، احترام متقابل، شهرت اجتماعی، اطمینان، انجمن‌پذیری، انسجام اجتماعی و جامعه مدنی که با این پدیده ارتباطی تنگاتنگ دارند ابراز می‌شود، می‌تواند با تشخیص این مشکل اصلی سیاست‌گذاری عمومی در برقراری و تداوم هماهنگی و همبستگی اجتماعی چیست رابطه داشته باشد (کلاوس 1384: 204).

نکته اساسی در تعریف مفهومی اعتماد، چندگانگی در تعریف آن از یک سو و عدم وفاق بر روی هسته اساسی این مفهوم است؛ شاید این مسأله به آن جهت باشد که رشته‌های مختلفی در علوم اجتماعی سعی در مطالعه مفهوم اعتماد داشته‌اند: رشته‌هایی چون جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، روانشناسی و اقتصاد که هر یک متناسب با کارکردهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و روانشناختی اعتماد، سعی کرده‌اند تا مفهوم ویژه‌ای از این تعبیر عرضه کنند. متأسفانه در ایران، قدمت بررسی این مفهوم چندان زیاد نیست و مآخذشناسی تحقیق این حوزه نیز، چندان از غنای لازم برخوردار نیست (امیرکافی 1380: 18). ولی نتایج بسیاری از مطالعات اخیر در سطح کشور، حاکی از کاهش سطح نسبی این متغیر در نزد اقشار مختلف و سوگیری عاطفی و خاص‌گرا در روابط کنشگران در تمام سطوح دارد (چلبی 1375: 77) و گویای این مطلب است که اعتماد اجتماعی، به منزله یک مسأله اجتماعی، به سرعت، به ابزار تحلیلی پژوهش‌های جدید، در عرصه توسعه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، مبدل می‌شود.

در این جا سعی شده با رویکردی جامعه‌شناختی، به موضوع اعتماد، نگرینسته شود. در واقع، اعتماد، در سه مورد حایز اهمیت است: نخست این که افراد جامعه چه زمانی اعتماد می‌کنند؟ دوم این که اعتماد چگونه به وجود می‌آید؛ منشأ اصلی آن چیست و چه پیامدهایی دارد؟ و در نهایت این که میزان اعتماد اجتماعی در بین دانشجویان مورد مطالعه چه مقدار است و چه عواملی در افزایش و یا کاهش آن دخالت دارند؟

3 - تئوری‌هایی درباره منشأ اعتماد اجتماعی

در بررسی ادبیات جامعه‌شناختی مفهوم اعتماد به سه رهیافت فکری جامع دست می‌یابیم: نخست این که اعتماد، به منزله ویژگی فردی افراد است، دومین رهیافت این که اعتماد به منزله عاملی در ارتباطات اجتماعی و نهایتاً هم اعتماد به عنوان ویژگی نظام اجتماعی با تأکید بر رفتار مبنی بر تعاملات و سوگیری‌ها در سطح فردی، مفهوم‌سازی شده است (Misztal 1997: 19). در واقع، نخستین دیدگاه بر احساسات و ارزش‌های فردی تأکید دارد و اعتماد را به عنوان یک امر فردی و شخصیتی، بررسی می‌کند (دیوتج 1958؛ کالی 1983؛ ولف 1986)؛ مطابق این دیدگاه، اعتماد، به منزله یک ویژگی فردی و شخصیتی است. در این برداشت که با رویکردی روانشناختی اجتماعی همراه است، اعتماد، یک

تلفیق مفهومی است که در ارتباط بسیار نزدیک با مفاهیمی مانند وفاداری، دگرخواهی، صداقت و نوع دوستی قرار می‌گیرد. این رهیافت، یک پارادایم شخصیتی دربارهٔ اعتماد، مطرح کرده و به زمینهٔ اجتماعی آن توجه زیادی ندارد (Erikson 1950; Allport 1961; Cattell 1965; Resenberg 1956) این دیدگاه در حالت خرد به دو گرایش عمده تقسیم می‌شود:

الف - اعتماد، گرایشی است مبتنی بر یادگیری که در ابتدای کودکی شکل گرفته و حتی در زندگی آیندهٔ افراد نیز اثرگذار است؛ این روند، به صورت تدریجی و تحت تأثیر تجربیات دوران کودکی، برای همیشه ماندگار می‌شود (همانند تجربه‌های آسیب‌زای روانی). این دیدگاه، اخیراً توسط اریک پوزلنز، بررسی شده است. وی استدلال می‌کند که ما اعتماد نخستین خود را در زندگی با والدینمان می‌آموزیم و نه در مراحل بعدی زندگی و به صورت متقابل. در واقع، اعتماد، تحت‌تأثیر یادگیری اولیهٔ اشخاص در ارتباط نزدیک با والدینشان شکل می‌گیرد. (Uslaner 2000: 28).

ب - دیدگاه دوم این که اعتماد، گرایشی است برای جامعه‌پذیری که نه تحت‌تأثیر شخصیت درونی افراد و تجربیات آغازین آن‌ها بلکه تحت‌تأثیر انعکاسات اعمال سایرین در روابط متقابل چهره به چهره و محصولی از تجارب زندگی دوران بزرگسالی افراد نه فقط دوران کودکی آن‌هاست (Orren 1997; Newton 1999; Witley 1999: 40 - 41) به اعتقاد پوتنام، بی‌اعتمادی، گرایشی احساسی است که تحت‌تأثیر حالات انعکاسی در قربانیان جرم‌ها و خشونت‌ها و فقر بروز می‌کند. این دیدگاه شباهت زیادی به دیدگاه پترسون دارد؛ طبق تحلیل وی رابطهٔ نسبتاً شدیدی میان طبقه و نژاد اشخاص و میزان اعتماد آن‌ها وجود دارد؛ به اعتقاد وی اضطراب و ناامنی تحت‌تأثیر این تفکیک، قوی‌ترین نیروی تحریک‌کنندهٔ بی‌اعتمادی است (Putnam 2000: 138). کلمن معتقد است که مفاهیم ذهنی یک جامعه برای برقراری اعتماد و محتوای قضاوت‌ها و ارزیابی‌ها، می‌تواند مدخل ارزشمندی در تحقیقات اجتماعی باشد. کنشگران، باتوجه به قضاوت و عملکرد دیگران، بر اساس ملاحظات عقلانی آنچه که بهترین است و با در نظر گرفتن راه‌حل‌های گوناگونی که در برابر آن‌ها وجود دارد، اعتماد می‌کنند؛ اما توزیع سنی، جنسی، نژادی و سایر ویژگی‌های کسانی که با آن‌ها ارتباط دارند و توزیع واقعی آن ویژگی‌ها در جمعیت، تعیین می‌کند که آن‌ها با چه راه‌حلی روبرو هستند. این‌گونه

اطلاعات ساختاری، می‌توانند به توزیع برقراری اعتماد کمک کنند و تغییرات آن را پیش‌بینی نمایند (کلمن 1377: 153). این دیدگاه تا حد زیادی با رهیافت سوم در ارتباط نزدیک است.

در دومین رهیافت، اعتماد، بیشتر، در جایگاه یک ویژگی اجتماعی تلقی می‌شود و بنابراین در کالبد نهادی جامعه، عملی می‌گردد و بیشتر، جنبه جامعه‌شناختی پیدا می‌کند. اعتماد، در این دیدگاه، در جایگاه یک امر اجتماعی تلقی می‌شود که برای دستیابی به اهداف سازمانی استفاده می‌شود (Newton 2002: 27).

ج - رهیافت سوم، با رویکردی تأکیدی به مشخصات اجتماعی، در نقطه مقابل رهیافت روانشناسانه و فردگرایانه قرار می‌گیرد. طبق این دیدگاه، اعتماد، بیشتر از آن که وابسته به ویژگی‌های درونی افراد باشد، ریشه در روابط اجتماعی و یا ساخت این‌گونه روابط دارد. پس می‌توان گفت در این دیدگاه، اعتماد، در جایگاه یک منفعت جمعی با ارزش تلقی می‌شود که به وسیله تعاملات اعضاء در جامعه، پی‌گیری می‌شود. اعتماد متقابل، ریشه در وابستگی عاطفی دارد که خود، از طریق رابطه اجتماعی با دیگران و عضویت در اجتماعات حاصل می‌گردد. رابطه اجتماعی، از یک طرف، وابستگی عاطفی تولید می‌کند و از طرف دیگر، وابستگی ایجاد شده حافظ این رابطه می‌گردد (امیرکافی 1383: 4). برطبق این دیدگاه، توانایی ایجاد روابط اجتماعی، اثر مثبت بر اعتماد اجتماعی دارد. برخی از صاحب‌نظران معتقدند که اعتماد، به افراد اجازه می‌دهد تا به همکاری بپردازند؛ در جوامعی که افراد ساکن در آن می‌توانند اطمینان خاطر داشته که اعتماد آن‌ها نه تنها مورد سوءاستفاده قرار نمی‌گیرد بلکه به سود آن‌ها هم منتهی می‌شود مبادلات و روابط مبادله‌ای به سهولت شکل می‌گیرد (پوتنام 1380: 295؛ کلمن 1377: 158). برخی دیگر نیز اعتقاد دارند که اعتماد به یکدیگر، شرط روابط ثانویه است که به نوبه خود، برای مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی، مؤثر است (اینگلهارت 1373: 64) بنابراین در این رهیافت، نشان داده می‌شود که اعتماد، در سطح خرد، چگونه به پیدایش آن در سطح کلان کمک می‌نماید. به طور مثال، هر برخورد مثبت با دانشجویان، می‌تواند موجب افزایش سطح اعتماد آن‌ها در نظام آموزشی و نهایتاً ارتقاء سطح آموزشی و علمی کشور شود.

مطابق این رهیافت، اعتماد، به منزله یک مفهوم جامعه‌شناختی و با هدف تحلیل آن در سطوح سیستمی و روابط بین شخصی، مفهوم‌سازی می‌گردد و بنابراین اعتماد، به منزله یک

مکانیسم اجتماعی تلقی می‌گردد. مطالعه اعتماد اجتماعی، در جایگاه یک مکانیسم اجتماعی، تعاملات اجتماعی انسان‌ها را به وسیله انگیزه‌ها، احساسات و باورهای آنان بررسی می‌کند (Misztal; 1996: 15). چون محور اساسی کار ما، در این رهیافت نهفته است به بررسی کلی دیدگاه‌های موجود در این رهیافت می‌پردازیم.

دیوید جانسون (Johnson)

طبق دیدگاه جانسون، برای ایجاد ارتباطات اجتماعی، شخص باید بتواند فضایی آکنده از اعتماد را ایجاد کند که در نتیجه، ترس‌های خود و دیگری را از طرد شدن کاهش داده، امید به پذیرش، حمایت و تأیید را ارتقاء بخشد. طبق دیدگاه وی، اعتماد، یک خصیصه شخصیتی ثابت و تغییرناپذیر نیست، بلکه اعتماد اجتماعی، جنبه‌ای از روابط اجتماعی است که مدام، در حال تغییر و پویایی است و این اعمال اجتماعی افراد است که سطح اعتماد را در روابط اجتماعی آن‌ها افزایش یا کاهش می‌دهد همچنین، اعمال اجتماعی آن‌ها در ایجاد و حفظ اعتماد، در روابط دو سویه و کنش‌های هر دو طرف از اهمیت زیادی برخوردار است. (Johnston 1993: 66) هرچند مفهوم اعتماد، حالت انتزاعی و پیچیده‌ای دارد و به سادگی نمی‌توان عناصر و ابعاد آن را مشخص کرد ولی جانسون معتقد است که در یک رابطه مبتنی بر اعتماد (اعتماد کننده و فرد مورد اعتماد)، این عناصر وجود دارند: صراحت و باز بودن، سهیم کردن، پذیرش، حمایت، تمایلات همکاری جویانه، رفتار مبتنی بر اعتماد، رفتار قابل اعتماد، اعتماد کننده بودن و قابلیت اعتماد داشتن. سطح اعتماد در محدوده یک رابطه اجتماعی، بر اساس توانایی و گرایش افراد برای اعتماد کردن و قابل اعتماد بودن، به طور گسترده، در حال تغییر است. هنگامی شما اعتماد کننده تلقی می‌شوید که در معرض ارتباط با دیگران و نیل به یک نتیجه سودمند یا مضر از این ارتباط باشید، به بیانی خاص، وقتی شما خود، امین بوده خواهان پذیرش و حمایت آشکار از دیگران باشید اعتماد کننده هستید وقتی شما قابل اعتماد هستید که به اقدام تهورآمیز شخصی پاسخگو باشید و این تضمین، ایجاد گردد که شخص مقابل، شاهد نتایج سودمند خواهد بود. به بیانی دقیق‌تر، شما وقتی قابل اعتماد هستید که نسبت به شخص مقابل، ابراز استقبال، حمایت و همکاری کنید؛ همانند زمانی که شما نسبت به صراحت و اعتماد وی، متقابلاً پاسخ و عکس‌العملی مساعد نشان می‌دهید.

لوهمان (Luhmann)

وی، میان دو مفهوم اعتماد و اطمینان، تفاوت اساسی قایل شده و معتقد است اعتماد با مفهوم ریسک و مخاطره‌پذیری، ارتباط نزدیک دارد و در دوران اخیر مطرح شده است. لوهمان از دیدگاهی خاص، به بررسی اعتماد می‌پردازد که کمتر مورد توجه سایر نظریه‌پردازان واقع شده؛ به این معنا که او کارکرد اعتماد اجتماعی را در درون سیستم اجتماعی بررسی می‌کند و با نظم در جامعه مقایسه می‌کند. به اعتقاد وی، کارکرد اعتماد در نظام اجتماعی، این است که عدم تعین اجتماعی را کاهش و به این ترتیب باعث افزایش قابلیت پیش‌بینی رفتارها می‌شود. اعتماد، در واقع، یک نوع مکانیسم اجتماعی است که در آن انتظارات، اعمال و رفتارها تنظیم و هدایت می‌شود (Luhmann 1979: 112).

گیدنز (Giddens)

وی اعتماد را به منزله اطمینان یا انکار بر یک ماهیت یا خاصیت شخصی یا چیزی یا صحت گفته‌ای می‌شناسد و این تعریف به نظر گیدنز نقطه شروع مفیدی را به وجود خواهد آورد. وی با دیدگاه لوهمان درباره اعتماد موافق نیست و می‌گوید: در واقع، اطمینان، نوع خاصی از اعتماد است و برخلاف برداشت لوهمان، هیچ ارتباط درونی و ذاتی بین اطمینان و ریسک وجود ندارد و در توجیه تفسیر خود، نکاتی را درباره اعتماد دخیل می‌داند اولاً شرط نخستین مقتضیات اعتماد، عدم قدرت نیست بلکه عدم آگاهی اجتماعی کلی است در مورد فرد که فعالیت‌های او به صورت مستمر در معرض دید است و روند افکار او آشکار است؛ نیز در مورد نظامی که اعمال کنندگانش شناخته شده و قابل ادراک هستند، نیازی به اعتماد نیست. ثانیاً اعتماد به قابلیت اتکای فرد یا سیستم نیست، بلکه آن چیزی است که از آن اعتماد سرچشمه می‌گیرد. اعتماد دقیقاً خط اتصال بین اعتماد و اطمینان است. بنا به تعریف وی، اعتماد اجتماعی در واقع عاملی اساسی در احساس آرامش جسمانی و روانی و در نهایت امنیت اجتماعی در شرایط عادی زندگی روزمره است و علت این که ما اغلب در فعالیت‌های جاری خود کمتر از آنچه واقعاً هستیم احساس ضعف و ناتوانی می‌کنیم به دلیل عدم وجود اعتماد بنیادین، در حالت کلان و عدم وجود اعتماد اجتماعی می‌باشد. گیدنز، جو دارای اعتماد را با اصطلاح «پیلۀ حفاظتی» می‌آورد که در حقیقت، نوعی پوشش اطمینان بخش است که به حفظ و تداوم محیط پیرامونی ما کمک می‌کند (گیدنز 1383: 181 - 182).

پارسونز (Parsons)

کنش متقابل اجتماعی و رفتار اجتماعی هر فردی در جامعه، سه عنصر را در بر می‌گیرد: اول، انتظارات متقابل میان عامل‌ها، عامل معینی مانند «خود»، از عامل دیگری که در این‌جا دیگری خوانده می‌شود انتظار دارد که در فلان موقعیت مشترکشان، به این یا آن صورت رفتار کند. در همان حال «خود» می‌داند که در رابطه با موقعیت مشترک، دیگری نیز انتظاراتی دارد. دوم، ارزش‌ها و هنجارهایی وجود دارد که بر رفتار عامل‌ها حاکم است یا فرض می‌شود که حاکم است، در واقع، انتظارات متقابل در گروه متکی بر وجود هنجارها و ارزش‌ها است. وجود هنجارها یا ارزش‌های مشترک، مسأله‌ای نیست، مهم آن است که «خود» در جهتی هدایت می‌کند و دیگری می‌داند که هنجارهایی «خود» را در جهتی هدایت می‌کند، به عبارت دیگر «خود» به دلیل نقش‌های شناخته شده رفتار «دیگری» می‌داند و می‌تواند پیش‌بینی کند که «دیگری» در یک وضعیت مفروض به گونه معینی عمل خواهد کرد. سوم، ضمانت اجرایی یا پاداش و تنبیهی که «خود» و «دیگری» در صورت عدم برآوردن انتظار متقابل، نصیبشان خواهد شد (توسلی 1373: 191).

هاردن (Hardian)

ضمانت‌های اجرایی اجتماعی، متشکل از هنجارها، قوانین و ... که در واقع، مجموعاً حول یک محور اصلی، یعنی سرمایه‌های اجتماعی، گرد آمده‌اند و این عامل به منزله متضمن و ضمانت اصلی در فرایند یک نظام ارتباطی است که در آن، اعتماد اجتماعی به صورت واقعی وجود دارد و نبود یا فرسایش سرمایه‌های اجتماعی باعث از بین رفتن این شبکه روابط اجتماعی و در نتیجه، به وجود آمدن عدم احساس اعتماد اجتماعی، می‌شود که از نتایج آن، کاهش همبستگی، وفاق، تعهدات اجتماعی، افزایش آنومی و آسیب‌های اجتماعی بسیار بفرنج است که عواقب حاصل از آن، جبران‌ناپذیر خواهد بود، چون این پروسه و فرایند در طول یک زمان طولانی به وجود می‌آید و فرایند شکل‌گیری آن نیز زمان و هزینه‌های بسیار هنگفتی را در بر خواهد گرفت (Hardian 1997: 20).

بلا (Bellah)

وسیله عمومی که به موازنه ارتباطات در نظام‌های اجتماعی و سیاسی کمک می‌کند، منزلت یا نشان دادن احترام یک طرف به طرف دیگر است و کسب اقتدار اجتماعی، از طریق ارتباط

اجتماعی و ایجاد اعتماد اجتماعی، فراهم می‌گردد و به منزله یک عامل انگیزه‌زا در اعتماد متقابل بین افراد است (Bellah 1989: 34).

ادوارد مک کلنن (Mc Clennen)

آن‌ها که میل به فواید مبادله در بازار دارند، به درستی خواهان برقراری فضایی هستند که بتوان در آن اعتماد ورزید. در غیاب چنین فضایی (رابطه اجتماعی) یا مبادله انجام نمی‌شود و یا فقط وقتی انجام می‌شود که هریک از طرفین منابعی گران‌بها (ضمانت‌های اجرایی) را برای مصون ماندن در برابر ریسک‌های مبادله و روابط اجتماعی، صرف کنند. به زبان اقتصاددانان، هزینه‌های فرصت (opportunity costs) و معاملاتی (transaction costs) در شرایط فقدان اعتماد، بسیار زیاد است. جو اعتماد هنگامی به وجود می‌آید که اشخاص، از یکدیگر انتظارات داشته باشند و قواعدی مشخص و معین را در معاملاتی که باهم دارند رعایت کنند (مک کلنن 1384: 277).

مطابق دیدگاه وی، سه رویکرد اساسی در ایجاد جو اعتماد وجود دارد: 1- شبکه‌های غیررسمی روابط متقابل بر اساس دوستی، روابط خانوادگی یا خویشاوندی نزدیک و یا پیوندهای فرهنگی 2 - مجموعه‌های رسمی از قواعد و مقررات حقوقی، هنجارها و نظم اجتماعی موجود 3 - ضوابط اخلاقی غیررسمی که پشتوانه‌شان، تعهدی درونی و اجتماعی برای پابندی به آن ضوابط در روابط اجتماعی است.

اینگلهارت (Inglehart)

از نظر اینگلهارت، سطوح نسبتاً پایین انتشار رضایت و اعتماد، موجب می‌شود که شخص، به احتمال زیاد، نظام ساختار موجود را نپذیرفته و دچار حالت آنومی یا بیگانگی اجتماعی بشود. رضایت از زندگی، رضایت اجتماعی، فضای باز ارتباطات اجتماعی، حمایت از نظم اجتماعی موجود و در نهایت، اعتماد به یکدیگر، همگی به هم وابسته بوده نشانه‌های نگرش‌های مثبت را نسبت به جهانی که شخص در آن زندگی می‌کند، تشکیل می‌دهند. جالب‌تر از همه، این واقعیت است که به نظر می‌رسد این نشانگان با بقای نهادهای اجتماعی رابطه دارد. نیز این نشانگان، با سطوح اقتصادی یک کشور در ارتباط نزدیکند و کشورهای توسعه یافته از لحاظ رضایت اجتماعی، اعتماد به یکدیگر و دیگر عناصر این نشانگان، در سطوح بسیار بالایی قرار دارند (Inglehart 1999: 88 - 120).

کلمن (Coleman)

وضعیت‌های متضمن اعتماد، طبقه‌ای فرعی از وضعیت‌هایی را در بر می‌گیرند که متضمن ریسک است. در این وضعیت‌ها، ریسکی که فرد می‌پذیرد، به عملکرد کنشگر دیگری بستگی دارد. در رابطه دارای اعتماد، دو مؤلفه موجود است: اعتماد کننده و امین (فرد مورد اعتماد)، که هر دو هدفمند بوده و هدف آن‌ها تأمین منافعشان است، صرف‌نظر از این‌که این منافع چه باشد. باید فرض کرد هر فرد کنشگری هدفمند است و باید کوشش کرد کنش‌های هر کنشگر را به صورت کنش‌های معقول تحت‌تأثیر هدف‌هایی تبیین کرد که کنشگر در چنین وضعیتی ممکن است داشته باشد. تصمیم اعتماد کننده بالقوه، تقریباً همیشه مسأله برانگیز است، تصمیم برای این‌که آیا به امین باید اعتماد کرد یا نه؟ (کلمن 1997: 144 - 153)

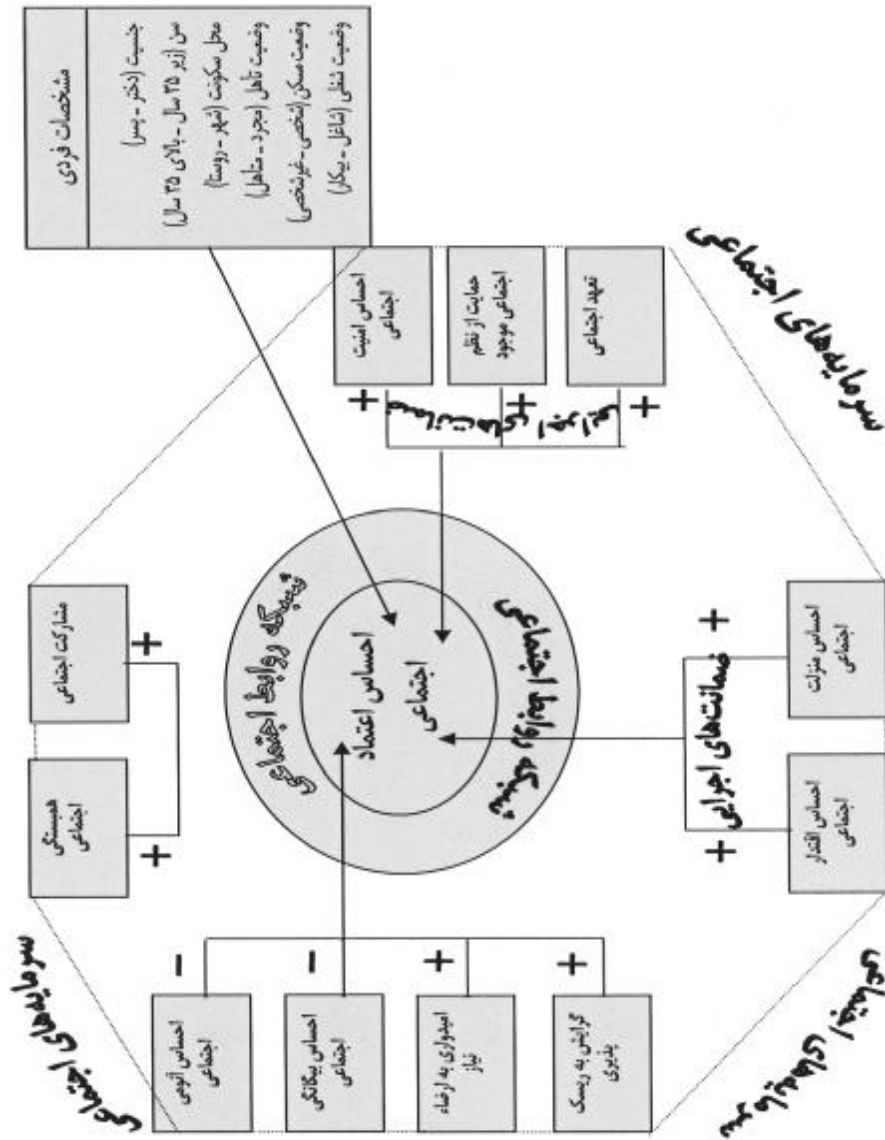
توکویل و میلز (Mills & Tocqueville)

این تئوری، محور اساسی جدیدترین بحث در مورد سرمایه‌های اجتماعی است. درک این نکته که مشارکت کردن به وسیله شرکت کننده و شرکت در نظم و ارتباط با دیگران در یک زمینه ارادی، به یادگیری ما در مورد این‌که «تشویق به عادت کردن» به اعتماد همکاری متقابل، یکدلی با دیگران و تفاهم و یکپارچگی برای مصلحت و صلاح عمومی نیاز دارد. مهمترین شکل مشارکت، طبق این دیدگاه تئوریک، نظارت کردن رودر رو و تحمل گرفتاری و مشکلات در نهادهای ارادی در اجتماعی محلی است. این تئوری به تئوری نهادهای داوطلبانه معروف است (Putnam 2000: 198).

کوشمن

او تعهد در محیط کار و سازمان را، یک احساس وفاداری و ثبات قدم نسبت به محیط کار و کسب هویت به همراه ارزش‌ها و اهداف آن سازمان تعریف نموده، آن را مرتبط با همبستگی کارکنان و موافقت آنان با ماهیت (وظایف و اهداف) سازمان می‌داند. تعهد به آموزش دانشجویان، اختصاص دادن زمان بیشتری (پیش از وقت رسمی) است. وی با توجه به دو جزء فوق، به طور کلی، تعهد را درجه‌ای از درونی کردن ارزش‌ها و اهداف و احساس وفاداری همراه با اعتماد نسبت به محیط دانسته و آن را بازتاب تنظیم و مطابقت نیازها و ارزش‌های افراد با نیازها و ارزش‌های سازمانشان که خود نتیجه انسجام و همبستگی قوی بین اعضای سازمان است، معرفی می‌نماید (کوشمن 1993: 6).

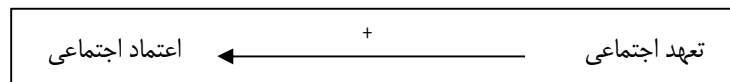
نمودار شماره 1 تئوریک خلاصه شده‌ای از تئوری‌های استدلالی به کار رفته تا این قسمت است. فهرست ماتریسی خط مشی تئوریک عمده و متغیرهایی که قادرند برای سنجش شاخص‌ها یا آزمون همبستگی‌ها به کار روند.



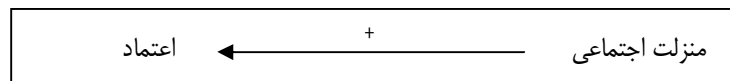
4- فرضیات تحقیق

همان طوری که گفته شد، میان این دیدگاه‌های فکری در مورد اعتماد اجتماعی وجوه تشابه زیادی را مشاهده می‌کنیم. بنابراین، ضمن جمع‌بندی نظریه‌های مذکور در نمودار شماره 1، فرضیه‌هایی را نیز در دنباله مطالب در مورد منشأ اعتماد اجتماعی و قالب‌های رفتاری در مورد آن به شرح زیر استخراج کردیم:

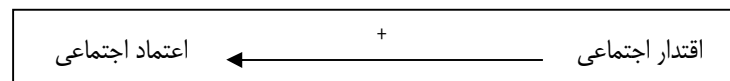
1. هر قدر احساس تعهد اجتماعی افراد نسبت به موقعیت پایگاهی - اجتماعی خود بیشتر باشد احساس اعتماد اجتماعی آن‌ها بیشتر و بالعکس، کمتر خواهد بود.



2. هر قدر احساس منزلت اجتماعی افراد نسبت به موقعیت پایگاهی - اجتماعی خود بیشتر باشد، احساس اعتماد اجتماعی آن‌ها بیشتر و بالعکس، کمتر خواهد بود.



3. هر قدر احساس اقتدار اجتماعی افراد نسبت به موقعیت پایگاهی - اجتماعی خود بیشتر باشد، احساس اعتماد اجتماعی آن‌ها بیشتر و بالعکس، کمتر خواهد بود.



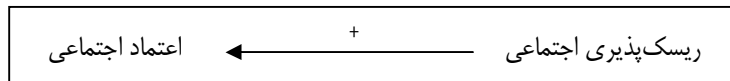
4. هر قدر احساس انومی اجتماعی افراد نسبت به موقعیت پایگاهی - اجتماعی خود بیشتر باشد، احساس اعتماد اجتماعی آن‌ها کمتر و بالعکس، بیشتر خواهد بود.



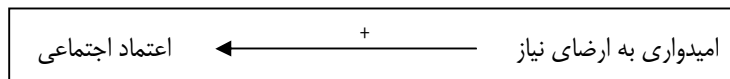
5. هر قدر احساس بیگانگی اجتماعی افراد نسبت به موقعیت پایگاهی - اجتماعی خود بیشتر باشد، احساس اعتماد اجتماعی آن‌ها کمتر و بالعکس، بیشتر خواهد بود.



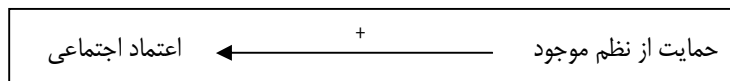
6. هر قدر احساس ریسک‌پذیری افراد نسبت به موقعیت پایگاهی - اجتماعی خود بیشتر باشد، احساس اعتماد اجتماعی آن‌ها بیشتر و بالعکس، کمتر خواهد بود.



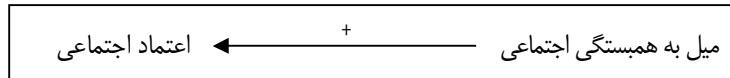
7. هر قدر امیدواری به ارضای نیاز افراد نسبت به موقعیت پایگاهی - اجتماعی خود بیشتر باشد، احساس اعتماد اجتماعی آن‌ها بیشتر و بالعکس، کمتر خواهد بود.



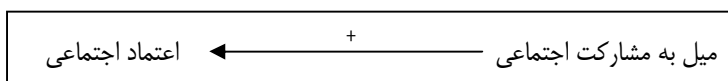
8. هر قدر حمایت از نظم موجود افراد نسبت به موقعیت پایگاهی - اجتماعی خود بیشتر باشد، احساس اعتماد اجتماعی آن‌ها بیشتر و بالعکس، کمتر خواهد بود.



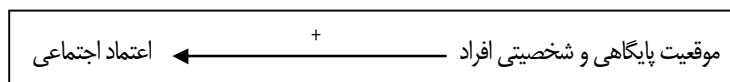
9. هر قدر میل به همبستگی اجتماعی افراد نسبت به موقعیت پایگاهی - اجتماعی خود بیشتر باشد، احساس اعتماد اجتماعی آن‌ها بیشتر و بالعکس، کمتر خواهد بود.



10. هر قدر میل به مشارکت اجتماعی افراد نسبت به موقعیت پایگاهی - اجتماعی خود بیشتر باشد، احساس اعتماد اجتماعی آن‌ها بیشتر و بالعکس، کمتر خواهد بود.



11. به نظر می‌رسد موقعیت پایگاهی - اجتماعی و شخصیتی افراد (جنسیت، سن، محل سکونت، وضعیت تأهل، وضعیت مسکن، وضعیت شغلی و ...) آن‌ها در افزایش یا کاهش احساس اعتماد اجتماعی آن‌ها اثرگذار است.



5- روش اجرای تحقیق

5-1- روش تحقیق و گردآوری اطلاعات

در این تحقیق، به اقتضای موضوع و باتوجه به امکانات، روش پیمایشی (survey research) به منزله مناسبترین روش برای گردآوری اطلاعات مدنظر قرار گرفت، زیرا چارچوب تئوریک و فرضیات تحقیق نیز، به کارگیری روش پیمایشی را برای گردآوری و آنالیز داده‌ها، بیشتر، امکان‌پذیر می‌سازد.

جمعیت آماری این تحقیق را، مجموعه دانشجویان دانشگاه‌های شهر زنجان تشکیل داده‌اند¹ که دانشگاه آزاد 8500 نفر، دانشگاه دولتی 6500 نفر و دانشگاه پیام نور 1200 نفر را تشکیل می‌دهند. به طور کلی مجموعه دانشجویان دختر و پسر این شهر، جامعه آماری مورد بررسی را تشکیل می‌دهند که از بین آن‌ها 150 نفر از دانشگاه آزاد، 195 نفر از دانشگاه زنجان و 105 نفر از دانشگاه پیام نور انتخاب شدند.

زمان انجام تحقیق سال تحصیلی 84 - 1383 بود. در این جمعیت آماری، تعداد دانشجویان پسر 255 نفر و تعداد دانشجویان دختر 195 نفر بودند که جمعاً 450 نفر می‌باشند (n=450).

روش نمونه‌گیری، به صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده بوده (حجم نمونه 255 نفر پسر و 195 نفر دختر) که به صورت تصادفی از بین دانشجویان رشته علوم اجتماعی دانشگاه آزاد، دانشجویان رشته جغرافیای دانشگاه زنجان و دانشجویان رشته علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور به منزله حجم نمونه انتخاب شدند.

واحد تحلیل: واحد تحلیل در این پژوهش دانشجویان دانشگاه‌های زنجان هستند.

واحد مشاهده: واحد مشاهده در پژوهش حاضر فرد است که شامل تک‌تک دانشجویان

دختر و پسر مشغول به تحصیل در دانشگاه‌های زنجان می‌باشد.

ابزار مشاهده: پژوهش حاضر به صورت مصاحبه انجام گرفته و ابزاری که برای انجام این مصاحبه به کار گرفته شد، پرسشنامه بود و تنها، یک نوع پرسشنامه با سؤالات ثابت برای این دانشجویان تدوین گردید که هر کدام از دانشجویان (دختر و پسر) را شامل می‌شود.

1- این مقاله بر اساس گزارش یافته‌های حاصل از یک پژوهش علمی که در سال 84 - 1383 به منظور بررسی میزان اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های زنجان صورت گرفته، استخراج شده است.

اعتبار و روایی تحقیق

- اعتبار: اعتبار پژوهش مورد نظر، مبتنی بر اعتبار صوری است.
 - روایی: برای تعیین روایی شاخص‌ها و گویه‌ها در این پژوهش، از آزمون آلفای کرونباخ استفاده گردید که در جدول ذیل، نتایج آن قابل مشاهده است و این نتایج، گویای آن است که هر کدام از شاخص‌های متغیرهای لازم، روایی لازم را برای سنجش متغیرهای مورد نظر، دارند و قابلیت روایی آن‌ها در سطح خوبی واقع است.

جدول شماره 1- آزمون ضریب روایی متغیرها

ردیف	متغیرها	نوع متغیر	ضریب آلفای به دست آمده
1	اعتماد اجتماعی	مستقل	0/80
2	همبستگی اجتماعی	مستقل	0/75
3	مشارکت اجتماعی	مستقل	0/76
4	آنومی اجتماعی	مستقل	0/70
5	بیگانگی اجتماعی	مستقل	0/79
6	امیدواری اجتماعی	مستقل	0/72
7	گرایش به ریسک	مستقل	0/77
8	اقتدار اجتماعی	مستقل	0/75
9	منزلت اجتماعی	مستقل	0/69
10	امنیت اجتماعی	مستقل	0/72
11	حمایت از نظم موجود	مستقل	0/80
12	تعهد اجتماعی	مستقل	0/75

6 - مقدمات اصلی ورود به عرصه تحقیق

برای سنجش متغیرهای اصلی پژوهش نخست آن‌ها تعاریف مفهومی و سپس تعاریف عملیاتی شد و آنگاه شاخص‌های لازم و ضروری که ذیلاً در جدول شماره 2 مشاهده می‌شود، تعیین شد و از میان آن شاخص‌ها، سؤال‌های لازم استخراج و پرسشنامه‌ای با 120 سؤال برای دانشجویان تدوین شد.

متغیرهای اصلی تحقیق عبارت بودند از: اعتماد اجتماعی به منزله متغیر وابسته، و متغیرهای احساس انومی اجتماعی، احساس بیگانگی اجتماعی، احساس امیدواری اجتماعی، احساس اقتدار اجتماعی، احساس منزلت اجتماعی، احساس تعهد اجتماعی، حمایت از نظم موجود، احساس امنیت اجتماعی، میل به مشارکت اجتماعی و میل به همبستگی اجتماعی، به منزله متغیرهای مستقل و اثرگذار بر متغیر وابسته اعتماد اجتماعی؛ در ضمن مشخصات فردی از جمله جنسیت، سن، محل سکونت، وضعیت تأهل، وضعیت مسکن و وضعیت شغلی نیز به منزله متغیرهای مستقل و تأثیرگذار مدنظر قرار گرفتند.

برای سنجش میزان اعتماد اجتماعی دانشجویان به منزله متغیر اصلی، نخست به صورت زیر شاخص‌سازی و سپس با استفاده از مقیاس 5 درجه‌ای لیکرت (کاملاً موافقم / موافقم / تاحدودی / مخالفم / کاملاً مخالفم) معرف‌های آن استخراج گردید و برای سنجش در پرسشنامه نهایی با 120 سؤال تعبیه گردید.

جدول شماره 2 - شاخص‌سازی و معرف‌سازی متغیرها

تایف مورد استفاده	معرف‌ها	شاخص‌ها
طیف پنج درجه‌ای لیکرت	- عدم تمایل به کارهای گروهی - گرایش به ورزش‌های گروهی - میل به فعالیت‌های مشارکتی	تمایلات همکاری جوانه
طیف پنج درجه‌ای لیکرت	- میل به روابط باز و گسترده با دیگران - میل به ایجاد روابط عاطفی با دیگران	گرایش به روابط اجتماعی
طیف پنج درجه‌ای لیکرت	- انگشت‌شمار بودن افراد قابل اعتماد در جهان - نبود افراد مورد اعتماد - نبود اعتماد فردی به دیگران - نبود اعتماد به افراد نزدیک از جمله دوستان - رواج دروغ و ریا در نزد همه افراد - هر کسی به فکر خویش است - افزایش بی‌اعتمادی در جوامع امروزی نسبت به جوامع گذشته - در کل افراد جامعه غیرقابل اعتمادند	قابلیت اعتماد داشتن
طیف پنج درجه‌ای لیکرت	- اکثر افراد جامعه بدبین و بد خواهند - نبودن جایگاه مشخص افراد در جامعه	حس بدبینی
طیف پنج درجه‌ای لیکرت	- وجود ترس از در اختیار دیگران قرار دادن اطلاعات و یافته‌ها	احساس ترس
طیف پنج درجه‌ای لیکرت	- عدم اطمینان در مبادلات - وجود اطمینان خاطر در روابط باز با دیگران - اساس روابط افراد بر مبنای سود و منفعت شخصی	اطمینان
طیف پنج درجه‌ای لیکرت	- میل به امین بودن در نزد دیگران - میل به مورد اعتماد بودن در نزد سایر افراد	امین بودن
طیف پنج درجه‌ای لیکرت	- میل به مشورت با دیگران در مشکلات روزمره - میل به تبادل اطلاعات با دیگران	سهیم کردن

7 - نتایج و یافته‌ها

الف - یافته‌های تجربی

در تحلیل داده‌های این پژوهش، ابتدا داده‌های لازم برای قسمت توصیفی، آماده و سپس اقدام به آزمون فرضیه و تشریح آن‌ها شد. آنگاه همبستگی میان متغیرها و تحلیل آن‌ها و سرانجام نتایج مشاهده شده با استدلال‌های حاصل از فرضیات، مقایسه شد. طبق این فرایند، نخست پاسخگویان را براساس دیدگاهشان به موضوعات مختلف، در سه گروه با توجه به طیف لیکرت (موافق تا محدودی مخالف) قرار گرفته، سپس به بررسی همبستگی میان متغیرهای مختلف تحقیق پرداخته، در پایان با استفاده از ماتریس همبستگی مربوط، فرضیات پژوهش مورد آزمایش قرار گرفت.

ب - نتایج توصیفی (آماري)

جدول شماره 3، توزیع داده‌های مربوط به مشخصات جامعه آماری را نشان می‌دهد که طبق یافته‌های آن از لحاظ جنسیت، بیشترین تعداد از جامعه، آماری پسران با مقدار 57/7% و کمترین مقدار نیز دخترها با مقدار 43/3%، از لحاظ سنی نیز بیشترین تعداد، متعلق به گروه سنی کمتر از 35 سال با مقدار 88/8% و کمترین مقدار نیز بالای 35 سال با مقدار 11/1%، از لحاظ محل سکونت بیشترین مقدار متعلق به شهری‌ها با مقدار 75/5% و کمترین مقدار متعلق به روستایی‌ها با مقدار 24/44%، از نظر وضعیت تأهل بیشترین مقدار متعلق به مجردین با مقدار 68/9% و کمترین مقدار متعلق به متأهلین با مقدار 31/1%، از لحاظ وضعیت مسکن، بیشترین تعداد جامعه آماری دارای مسکن شخصی با مقدار 84/44% و کمترین مقدار مسکن غیرشخصی با مقدار 15/5% و در پایان از لحاظ وضعیت شغلی در جامعه آماری مورد نظر بیشترین درصد را بیکارها با مقدار 84/4% و کمترین تعداد از جامعه آماری مورد نظر را شاغلین با مقدار 15/6% می‌باشد.

جدول شماره 3 - توزیع داده‌های مربوط به مشخصات جامعه آماری

مؤلفه‌ها	توزیع داده‌ها
جنسیت	پسر = 255 نفر (56/7%) دختر = 195 نفر (43/3%)
سن	کمتر از 35 سال = 400 نفر (88/8%) بالای 35 سال = 50 نفر (11/1%)
محل سکونت	شهری = 340 نفر (75/5%) روستایی = 110 نفر (24/44%)
وضعیت تأهل	متاهل = 140 نفر (31/1%) مجرد = 310 نفر (68/9%)
وضعیت مسکن	شخصی = 380 نفر (84/44%) غیرشخصی = 70 نفر (15/5%)
وضعیت شغلی	شاغل = 70 نفر (15/6%) بیکار = 380 نفر (84/4%)

جدول شماره 4، میانگین و انحراف معیار هریک از متغیرهای اصلی مداخله‌گر در موضوع پژوهش را نشان می‌دهد. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که میزان میانگین اعتماد اجتماعی به عنوان متغیر وابسته در میان جامعه آماری مورد نظر (دانشجویان شهر زنجان) قابل توجه است. طبق این یافته‌ها، میانگین اعتماد اجتماعی، معادل 40 است که بر مبنای یک مقیاس صفر تا 100 کمتر از حد متوسط ارزیابی می‌شود. میانگین مذکور، بیانگر این واقعیت است که میزان اعتماد اجتماعی، به حد قابل توجهی در حال کاهش است. درباره مشارکت اجتماعی، یافته‌ها نشان می‌دهد که میانگین متغیر مذکور، معادل 45 است که بر مبنای مقیاس صفر تا 100 در آستانه حد متوسط به پایین است و این مقدار گویای کاهش میزان گرایش به مشارکت اجتماعی در جامعه آماری مذکور است. داده‌های موجود نشان می‌دهد که میانگین همبستگی اجتماعی به عنوان متغیر مستقل، برابر با 55 است که این مقدار، مطابق مقیاس صفر تا 100 کمتر از حد متوسط بالاست که گویای یک حالت تنش‌زا در آینده‌ای نه چندان دور است. درباره احساس امنیت اجتماعی، یافته‌های موجود نشان می‌دهد که میانگین احساس امنیت اجتماعی، 60 می‌باشد که بر مبنای مقیاس موردنظر از حد متوسط بالاترست ولی باز جای تأمل دارد. در مورد متغیر حمایت از نظم موجود به منزله متغیر مستقل، میانگین به‌دست آمده برابر با 65 است که این حالت نسبت به سایر شاخص‌ها از حد بالایی برخوردار است. متغیر میزان تعهد اجتماعی به عنوان متغیر مستقل با میزان میانگین 50، گویای حالت متوسط این متغیر در میان جامعه آماری مذکور است. در مورد احساس منزلت اجتماعی، میانگین به‌دست آمده برابر با 55 است که گویای احساس منزلت متوسطی در میان جامعه آماری مذکور می‌باشد. میانگین متغیر اقتدار اجتماعی، طبق یافته‌های موجود، برابر با 50 است که بر اساس طیف صفر تا 100، این مقدار حالت متوسطی از اقتدار اجتماعی را در جامعه آماری مذکور را نشان می‌دهد. همچنین طبق یافته‌های موجود، میانگین انومی اجتماعی و بیگانگی اجتماعی به ترتیب برابر با 40 و 60 است که این حالت گویای بحرانی نهفته در جامعه است. در نهایت هم در مورد شاخص امیدواری به ارضای نیاز و گرایش به ریسک‌پذیری، یافته‌ها حاکی از این است که میانگین این دو متغیر به ترتیب برابر 39 و 49 است که گویای کاهش این دو متغیر از حالت متوسط به پایین است. بنابراین می‌توان این‌گونه استنباط کرد که میزان اعتماد اجتماعی به منزله متغیر وابسته و اصلی، با توجه به سایر متغیرهای مستقل به منزله متغیرهای اثرگذار، در مجموع میانگین کمتر از حد متوسطی را داراست که در کل تبعاتی خواهد داشت.

جدول شماره 4 - میانگین و انحراف معیار هریک از متغیرهای اصلی
مداخله‌گر در موضوع پژوهش

ردیف	متغیرها	نوع متغیر	میانگین	انحراف معیار
1	احساس اعتماد اجتماعی	وابسته	40	19
2	مشارکت اجتماعی	مستقل	45	14
3	همبستگی اجتماعی	مستقل	55	20
4	احساس امنیت اجتماعی	مستقل	60	13
5	حمایت از نظم اجتماعی موجود	مستقل	65	17
6	تعهد اجتماعی	مستقل	50	24
7	احساس منزلت اجتماعی	مستقل	55	19
8	احساس اقتدار اجتماعی	مستقل	50	14
9	احساس انومی اجتماعی	مستقل	40	20
10	احساس بیگانگی اجتماعی	مستقل	60	11
11	امیدواری به ارضای نیاز	مستقل	39	20
12	گرایش به ریسک‌پذیری	مستقل	49	12

- نتایج تحلیلی (استنتاجی)

جدول شماره 5، آمارهای به‌دست آمده برای تحلیل رابطه بین میزان احساس اعتماد اجتماعی (متغیر وابسته) با هریک از مؤلفه‌های فردی شخصیتی را نشان می‌دهد. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که میزان میانگین اعتماد اجتماعی به منزله متغیر وابسته در بین دختران، پایین‌تر از پسران است و رابطه مؤلفه جنسیت با اعتماد اجتماعی اثبات می‌شود و نمود این حالت در آمارهای به‌دست آمده از این رابطه، قابل مشاهده است. نتایج به‌دست آمده درباره مؤلفه سن و رابطه آن با اعتماد اجتماعی، نشان می‌دهد که افراد بالای 35 سال، اعتماد اجتماعی کمتری نسبت به افراد کمتر از 35 سال دارا هستند. و در واقع، رابطه آن هم طبق آمارهای به‌دست آمده قابل مشاهده است. در مورد مؤلفه محل سکونت، یافته‌های حاصل از جامعه آماری نشان می‌دهد که افراد ساکن در شهر نسبت به افراد ساکن در روستا، از احساس اعتماد اجتماعی کمتری برخوردارند.

در مورد مؤلفه وضعیت تأهل، یافته‌های حاصل از جامعه آماری نشان می‌دهد که افراد مجرد در مقابل افراد متأهل از احساس اعتماد اجتماعی کمتری برخوردارند و در واقع، می‌توان گفت که افراد پس از تجربه وضعیت تأهل خود، اعتماد اجتماعی بیشتری نسبت به زمان مجردی خود دارند و نمود این حالت نیز در جامعه آماری مورد نظر بسیار شدید است. از لحاظ مؤلفه وضعیت مسکن، یافته‌های حاصل از جامعه آماری مذکور نشان می‌دهد که افرادی که دارای مسکن شخصی هستند در مقابل افراد فاقد مسکن، از احساس اعتماد اجتماعی بیشتری برخوردارند؛ در واقع به دلیل این که مسکن، یکی از نیازهای اولیه افراد در جامعه ایرانی است، این عامل به منزله یکی از عوامل ایجاد احساس اعتماد اجتماعی است. و در نهایت، مؤلفه وضعیت اشتغال، به منزله یک مؤلفه فردی، طبق یافته‌های حاصل از جامعه آماری، گویای این مطلب است که افراد شاغل از احساس اعتماد اجتماعی بیشتری نسبت به افراد فاقد شغل برخوردارند و شدت و نمود آن در جامعه آماری مذکور بیشتر است. در کل، می‌توان گفت که مؤلفه‌های فردی افراد به منزله سرمایه‌های فردی افراد برای کسب احساس اعتماد فردی و در سطح گسترده ایجاد حس اعتماد اجتماعی آن‌ها به منزله سرمایه‌های اجتماعی، از نقش اساسی برخوردار است.

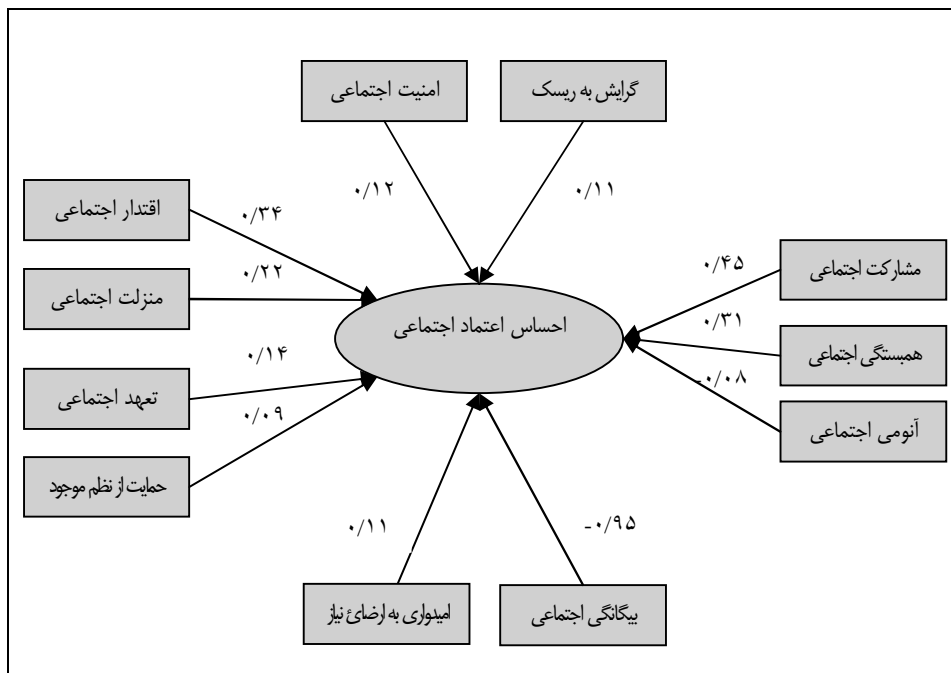
جدول شماره 5 - نتایج تحلیلی روابط میان مؤلفه‌های فردی با احساس اعتماد اجتماعی

وضعیت شغلی		وضعیت مسکن		وضعیت تأهل		محل سکونت		سن		جنسیت		مؤلفه‌های فردی متغیر وابسته اعتماد اجتماعی
بیکار	شاغل	غیر شخصی	شخصی	متأهل	مجرد	روستایی	شهری	-35	+35	دختر	پسر	
0/35	0/50	0/20	0/40	0/40	0/20	0/55	0/40	0/40	0/30	0/30	0/50	mean
0/001		0/05		0/003		0/02		0/04		0/03		X ²
0/004		0/40		0/005		0/001		0/04		0/02		Eta
0/003		0/02		0/001		0/02		0/03		0/02		T دوجمله‌ای

جدول شماره 6 - همبستگی شاخص وابسته با متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل	همبستگی	شاخص وابسته اعتماد اجتماعی
مشارکت اجتماعی	0/45	** (0/000)
همبستگی اجتماعی	0/31	** (0/000)
انومی اجتماعی	-0/08	(0/03)
بیگانگی اجتماعی	-0/09	(0/01)
امیدواری به ارضای نیاز	0/11	* (0/001)
گرایش به ریسک	0/11	* (0/002)
اقتدار اجتماعی	0/34	** (0/000)
منزلت اجتماعی	0/22	** (0/000)
تعهد اجتماعی	0/14	** (0/000)
حمایت از نظم اجتماعی	0/09	(0/01)
احساس امنیت اجتماعی	0/12	* (0/003)

نمودار 3 - مدل تحلیلی عوامل مؤثر (متغیرهای مستقل)



ب - یافته‌های نظری

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در مجموع روابط زیر به اثبات رسید:

1 - طبق رهیافت تئوریک کلمن و طبق یافته‌های حاصل از جامعه آماری مذکور، بین موقعیت اجتماعی - پایگاهی و شخصیتی افراد (جنسیت، سن، محل سکونت، سن، محل سکونت، وضعیت تأهل، وضعیت مسکن، وضعیت شغلی) و افزایش احساس اعتماد اجتماعی و بالعکس رابطه وجود دارد.

2 - مطابق رهیافت تئوریک کوشمن و هاردن و طبق یافته‌های حاصل از جامعه آماری مذکور، هر قدر احساس تعهد اجتماعی افراد نسبت به موقعیت اجتماعی - پایگاهی خود بیشتر باشد متقابلاً احساس اعتماد اجتماعی آن‌ها بیشتر و بالعکس هر چه مقدار این تعهد کمتر باشد، میزان احساس اعتماد اجتماعی، کاهش می‌یابد.

3 - مطابق رهیافت تئوریک بلا و مطابق یافته‌های حاصل از جامعه آماری مذکور، هر قدر احساس منزلت اجتماعی افراد نسبت به موقعیت اجتماعی - پایگاهی خود بیشتر باشد، متقابلاً احساس اعتماد اجتماعی آن‌ها بیشتر و بالعکس هر چه مقدار این احساس کمتر باشد، میزان احساس اعتماد اجتماعی، کاهش می‌یابد.

4 - مطابق رهیافت تئوریک بلا و هاردن و مطابق یافته‌های حاصل از جامعه آماری مذکور، هر قدر احساس اقتدار اجتماعی افراد نسبت به موقعیت اجتماعی - پایگاهی خود بیشتر باشد، متقابلاً احساس اعتماد اجتماعی آن‌ها بیشتر و بالعکس هر چه مقدار این اقتدار کمتر باشد، میزان احساس اعتماد اجتماعی، کاهش می‌یابد.

5 - مطابق رهیافت تئوریک اینگلهارت و مطابق یافته‌های حاصل از جامعه آماری مذکور، هر قدر احساس انومی اجتماعی افراد نسبت به موقعیت اجتماعی - پایگاهی خود بیشتر باشد، متقابلاً احساس اعتماد اجتماعی آن‌ها کمتر و بالعکس هر قدر مقدار این انومی کمتر باشد، متقابلاً میزان اعتماد اجتماعی، افزایش می‌یابد.

6 - مطابق رهیافت تئوریک اینگلهارت و هاردن و مطابق یافته‌های حاصل از جامعه آماری مذکور، هر قدر احساس بیگانگی اجتماعی افراد نسبت به موقعیت اجتماعی - پایگاهی خود بیشتر باشد، متقابلاً احساس اعتماد اجتماعی آن‌ها کمتر و بالعکس هر چه مقدار این بیگانگی کمتر باشد، متقابلاً میزان اعتماد اجتماعی، افزایش می‌یابد.

7 - مطابق رهیافت تئوریک کلمن و مطابق یافته‌های حاصل از جامعه آماری مذکور، هر قدر میزان گرایش به ریسک افراد نسبت به موقعیت اجتماعی - پایگاهی خود بیشتر باشد، متقابلاً احساس اعتماد اجتماعی آن‌ها بیشتر و بالعکس هر قدر مقدار این گرایش به ریسک کمتر باشد، میزان احساس اعتماد اجتماعی، کاهش می‌یابد.

8 - مطابق رهیافت تئوریک اینگلهارت و مطابق یافته‌های حاصل از جامعه آماری مذکور، هر قدر امیدواری به ارضای نیاز افراد نسبت به موقعیت اجتماعی - پایگاهی خود، بیشتر باشد، متقابلاً احساس اعتماد اجتماعی آن‌ها بیشتر و بالعکس هر چه مقدار این ارضای نیاز، کمتر باشد، میزان احساس اعتماد اجتماعی، کاهش می‌یابد.

9 - مطابق رهیافت تئوریک کوشمن، هاردن و اینگلهارت و مطابق یافته‌های حاصل از جامعه آماری مذکور، هر قدر حمایت از نظم اجتماعی موجود افراد نسبت به موقعیت اجتماعی - پایگاهی خود بیشتر باشد، متقابلاً احساس اعتماد اجتماعی آن‌ها بیشتر و بالعکس هر چه مقدار این حمایت کمتر باشد، میزان احساس اعتماد اجتماعی، کاهش می‌یابد.

10 - مطابق رهیافت تئوریک هاردن، توکویل و میلز و متقابلاً یافته‌های حاصل از جامعه آماری مذکور، هر قدر میزان همبستگی اجتماعی افراد نسبت به موقعیت اجتماعی - پایگاهی خود بیشتر باشد، متقابلاً احساس اعتماد اجتماعی آن‌ها بیشتر و بالعکس هر چه مقدار این همبستگی اجتماعی کمتر باشد، میزان احساس اعتماد اجتماعی، کاهش می‌یابد.

11 - مطابق رهیافت تئوریک هاردن، توکویل و میلز و متقابلاً یافته‌های حاصل از جامعه آماری مذکور، هر قدر میزان مشارکت اجتماعی افراد نسبت به موقعیت اجتماعی - پایگاهی خود بیشتر باشد، متقابلاً احساس اعتماد اجتماعی آن‌ها بیشتر و بالعکس هر چه مقدار این مشارکت اجتماعی کمتر باشد، میزان احساس اعتماد اجتماعی، کاهش می‌یابد.

پس همان طوری که مطالب و یافته‌ها گویای آن است، اعتماد اجتماعی یکی از مهم‌ترین خواسته‌های انسانی است. چگونه می‌توان دریچه درونی خود را به سوی اغیاری گشود که صرفاً در راه التذاذ آنی و تمتع جسمانی به آن روی کرده‌اند و به هیچ فردایی نمی‌اندیشند بنابراین رابطه انسانی را می‌توان سرمایه‌ای بی‌نظیر پنداشت و همواره در این اندیشه بود که تنها، به دست آوردن کافی نیست، مهم نگاه داشتن این سرمایه‌های اجتماعی و جلوگیری از فرسودگی آن‌ها در دوران گذار جوامع از یک دوره به دوره دیگر است. همان طوری که محققان نیز اذعان داشته‌اند که اعتماد اجتماعی همانند نوزادی است که به دنیا می‌آید، نیاز به

حمایت و نگهداری از سوی دو طرف رابطه دارد. واقعیت آن است که در حال حاضر هیچ راهبرد کلان و مشخصی برای رهایی از وضع موجود توسط مسؤولین امر طراحی نشده است. شرایط بحرانی جوانان جامعه امروز ما، نیازمند برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت، میان مدت و بلندمدت است و اگر شتاب نکنیم، جوانان از دست خواهند رفت. برای نیل به این مقصود، بر اساس یافته‌های این مطالعه به اجمال، پیشنهادهایی در خصوص مسأله اعتماد اجتماعی پرداخته می‌شود:

ارائه پیشنهادهای

1- باتوجه به یافته‌های تحقیق، کاهش امیدواری به ارضای نیاز، تأثیر مؤثر و کاهنده‌ای بر اعتماد اجتماعی دارد. امیدواری به ارضای نیاز، تا حد زیادی تحت تأثیر ارزیابی از نحوه توزیع عناصر ارزشمند و تساوی دستیابی به فرصت‌ها قرار دارد. ارزیابی منفی از نابرابرانه بودن و عدم تساوی امکانات و دستیابی به فرصت‌های متعدد فردی، سیاسی و اجتماعی، زمینه‌ساز بروز شرایطی همچون احساس بی‌عدالتی توزیعی احساس محرومیت نسبی می‌گردد که هر یک از این متغیرها، خود از عناصر مهم کاهش امیدواری به ارضای نیاز هستند. ضروری‌ترین مسایلی که دست اندرکاران امور سیاسی کشور در شرایط کنونی نیازمند توجه به آن هستند، ممانعت از رشد بی‌رویه فاصله طبقاتی و ایجاد شرایطی است که همه مردم، امکان تحرک اجتماعی یکسانی داشته باشند، که در صورت عدم برنامه‌ریزی، باعث شکل‌گیری نارضایتی اجتماعی و به تبع آن، شکل‌گیری بی‌اعتمادی اجتماعی خواهد شد.

2 - با توجه به یافته‌های تحقیق، کاهش امنیت اجتماعی و ریسک‌پذیری، تأثیر زیاد و کاهنده‌ای بر اعتماد اجتماعی دارد. امنیت اجتماعی، یکی از اساسی‌ترین نیازهای بشری است که ابعاد و جنبه‌های متفاوتی دارد که هر یک به تنهایی میزان ریسک‌پذیری را مشروط می‌نماید. توجه به این اصل، به ویژه از نظر احساس امنیت از تأمین نیازهای معیشتی، زمینه‌ساز بروز احساس آرامش فردی و خانوادگی و در حالت کلان، باعث به‌وجود آمدن احساس اعتماد اجتماعی است.

3 - باتوجه به یافته‌های تحقیق، کاهش حمایت از نظم اجتماعی موجود تأثیر زیاد و کاهنده‌ای بر اعتماد اجتماعی دارد. افزایش سطح نیازها و دامنه گسترش آن‌ها باعث ایجاد شکاف بین تمایلات و دستیابی‌ها می‌گردد که این خود، مقدمه افزایش فشارها، اضطراب‌ها و

ناراحتی‌ها و نارضایتی‌های فردی و اجتماعی و در نهایت عدم حمایت از نظم اجتماعی موجود می‌شود. پای نهادن در مسیر توسعه چنانچه بدون توجه به این اصل و با پافشاری و تبلیغ بر زندگی شهری با الگوی مصرفی متزاید همراه گردد، نه تنها تسهیل کننده روند توسعه و تعمیم رفاه اجتماعی نخواهد گردید، بلکه زمینه‌ساز تشدید این بحران به شکل حادثه و ایجاد یک جو نابهنجار دارای نارضایتی‌های فردی و اجتماعی و کند شدن فرایند توسعه است.

4 - باتوجه به یافته‌های تحقیق، کاهش احساس تعهد اجتماعی تأثیر زیاد و کاهنده‌ای بر اعتماد اجتماعی دارد و برای نیل به این منظور سیاست‌گذاری‌هایی در روند ایجاد امنیت شغلی، ارزش دادن به شخصیت و منزلت افراد و اعطای امکانات مورد نیاز در حد معقول برای افراد، ضروری می‌باشد.

5 - باتوجه به یافته‌های تحقیق، افزایش آنومی اجتماعی و بیگانگی اجتماعی تأثیر زیاد و کاهنده‌ای بر اعتماد اجتماعی دارد. یک جامعه نابسامان، انسان‌هایی را که دچار نابسامانی‌های فردی و اجتماعی هستند، در خود پرورش می‌دهد. توجه به این اصل، به منزله مهم‌ترین عنصر نظم در عرصه فردی و اجتماعی، مؤید این نکته است که هرگونه تلاش برای تعمیم رفاه اجتماعی، بدون توجه به عناصر نظم اجتماعی، نه تنها تعیین بخش این خواست نخواهد بود، بلکه خود زمینه‌ساز انزوای اجتماعی از طریق ترازد نیازها، گسترش خودپرستی، کاهش پیوندهای فرد با اجتماع و در نهایت، افزایش از خودبیگانگی و رشد عدم اعتماد اجتماعی خواهد بود.

6 - باتوجه به یافته‌های تحقیق، کاهش احساس اقتدار اجتماعی و منزلت اجتماعی، تأثیر زیاد و کاهنده‌ای بر اعتماد اجتماعی دارد. این نتایج می‌تواند حساسیت دست‌اندرکاران سیاسی کشور را به خود معطوف نماید. توجه به نیازهای طبقات فرودست جامعه که مبین و تأمین‌کننده احساس اقتدار و منزلت اجتماعی و آرامش این طبقات باشد، باعث تعمیم و گسترش احساس اعتماد اجتماعی بیشتر خواهد بود. چنانچه این نتایج را با ارزیابی منفی از نابرابری همراه نمائیم، توجه به این اصل وضوح و صراحت بیشتری خواهد یافت.

7 - باتوجه به یافته‌های تحقیق، کاهش همبستگی اجتماعی و مشارکت اجتماعی تأثیر زیاد و کاهنده‌ای بر احساس اعتماد اجتماعی دارد و برای حل این معضل اجتماعی، باید افراد را به لحاظ اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به همدیگر نزدیک نمود و از ایجاد طبقات اجتماعی که منجر به ایجاد فاصله اجتماعی بین گروه‌های مختلف جامعه می‌شود، دوری

جست تا افراد جامعه نسبت به همدیگر احساس مسؤولیت بیشتری نمایند، برنامه‌ریزی در چارچوب برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی مدون و مصوب برای کاهش ستیزهای فرهنگی و اجتماعی.

8- باتوجه به یافته‌های تحقیق، افراد شاغل، از احساس اعتماد اجتماعی بیشتری نسبت به افراد غیرشاغل برخوردار هستند و این مقوله هم همانند وضعیت مسکن، یکی از نیازهای جامعه ایرانی و بالاخص، قشر جوان است که نیازمند توجه جامعه ایرانی به این مسأله حاد است چرا که یکی از عوامل در ایجاد انزوای اجتماعی و ایجاد حس بیگانگی اجتماعی و به طبع آن، ایجاد عدم احساس اعتماد اجتماعی است.

9- باتوجه به یافته‌های تحقیق، افراد متأهل نسبت به افراد مجرد از احساس اعتماد اجتماعی بیشتری برخوردارند و این مسأله نیازمند توجه به مقوله ازدواج در طیف گسترده جوانان به منزله یک مسأله اجتماعی مهم است و با افزایش سن ازدواج در بین جوانان، یک زنگ خطر جدی برای از بین رفتن اعتماد فردی و به تبع آن، احساس اعتماد اجتماعی افراد و میل به انزوای آنان در سطح جامعه است.

10- باتوجه به یافته‌های تحقیق، افراد دارای مسکن شخصی، نسبت به افراد فاقد مسکن شخصی، از احساس اعتماد اجتماعی بیشتری برخوردارند و این ضرورت نیاز به مسکن در جامعه ایرانی به صورت یکی از نیازهای ضروری افراد است و نیازمند توجه مسؤولان زیربنا به این مقوله اجتماعی است.

11- باتوجه به یافته‌های تحقیق، افراد ساکن در شهر، نسبت به روستاییان از سطح اعتماد اجتماعی کمتری برخوردارند و این ضرورت کارکردهای ایجاد انسجام اجتماعی در بین افراد و ایجاد این حس در حالت کلان جامعه است.

12- باتوجه به یافته‌های تحقیق، افراد بالای 35 سال از سطح اعتماد اجتماعی پایینی نسبت به افراد زیر 35 سال برخوردار هستند و این امر، نشانه فرسایش اعتماد اجتماعی در فرایند اجتماعی شدن و باز اجتماعی شدن است که یکی از راهکارهای آن، تغییرات سیستمی در سازمان‌های رسمی و اجتماعی برای پذیرفته شدن افراد در داخل آن سیستم‌ها است.

13- نتایج تحقیق نشان می‌دهد که از لحاظ جنسیت، احساس اعتماد اجتماعی دختران کمتر از پسران می‌باشد و برای حل این مسأله، نیاز به تغییرات اساسی در سیستم فرهنگی

جامعه و پذیرش تساوی حقوقی از لحاظ دستیابی به فرصت‌ها در جامعه در بین زنان و مردان است و نقطه آغاز این فرایند هم می‌تواند در سیستم آموزشی کشور و از بین بردن نگرش مرد سالارانه در این سیستم باشد.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی. 1383. "اعتماد، اجتماع و جنسیت: بررسی تطبیقی اعتماد متقابل در بین دو جنس". *مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران*. دوره پنجم، شماره 2.
- امیرکافی، مهدی. 1380. "اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن". *نمایه پژوهش*. سال پنجم، شماره 18.
- _____. 1375. *اعتماد اجتماعی*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی.
- اینگلهارت، رونالد. 1373. *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*. ترجمه مریم وتر. تهران: انتشارات کویر.
- پوتنام، روبرت. 1380. *دموکراسی و سنت‌های مدنی*. ترجمه محمد تقی دلفروز. تهران: انتشارات روزنامه سلام.
- پیران، پرویز. 1383. *جزوه درس جامعه‌شناسی شهری*. رشته جامعه‌شناسی. دوره کارشناسی، دانشگاه علامه.
- توسلی، غلامعباس. 1373. *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب انسانی.
- چلبی، مسعود. 1375. *جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*. تهران: نشر نی.
- چلبی، مسعود و امیرکافی، مهدی. 1383. "تحلیل چند سطحی انزوای اجتماعی". *مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران*. دوره پنجم، شماره 2.
- رفیع پور، فرامرز. 1378. *آناطومی جامعه: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- سرایبی، حسن. 1372. *مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق*. تهران: انتشارات سمت.
- شارع‌پور، محمود. 1380. "فرسایش سرمایه‌های اجتماعی و پیامدهای آن". *نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران*. شماره 3.

- فوکویاما، فرانسیس. 1379. *پایان نظم*. ترجمه غلامعباس توسلی. تهران: انتشارات جامعه ایرانیان.
- کلاوس، افه. 1384. *سرمایه اجتماعی: چگونه می‌توان به شهروندان اعتماد داشت؟*. تهران: نشر شیرازه.
- کلمن، جیمز. 1377. *بنیادهای نظریه اجتماعی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی. 1383. *تجدد و تشخیص*. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.
- مک کلن، ادوارد. 1384. *سرمایه اجتماعی: اعتماد و مبادله بازاری*. تهران: نشر شیرازه.
- مؤیدفر، رزیتا. 1382. "نگرشی بر سرمایه اجتماعی و ابعاد آن". نشریه مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق. شماره 12 و 11.

- Allport, Gordon W. 1961. *Pattern and Growth in Personality*. New York: Holt, Rinehart and Winston
- Bellah, Robert N; Madsen, Richard; Sullivan; William M; Tipton; Steven M. 1989. *Habits of the Heart*. Berkeley and Los Angeles: University of California Press.
- Cattell, Raymond B. 1965. *The Scientific Analysis of Personality*. Baltimore: Penguin Book.
- Coleman, James S. 1988. *Social Capital in the Creation of Human Capital*. American Journal of Sociology.
- Deihey, Jan 2003. *Lebensbedingungen und Wohlbefinden in Europa*. In Statistisches Bundesamt (ed.) Datenreport, Bundeszentrale für politische Bildung: Bonn.
- Erikson, Erik H. 1950. *Childhood and Society*. New York: Norton.
- Hardian, Russel. 1997. *Trust Worthines*, Ethics 107 (October): 26-42.
- Hardian, Russel. 1991. *Trusting persons; Trusting Institutions*. In Richardd Zeckhauser (ed) *The Strategy of Choice*. Cambridge Mass: Mit press.
- Inglehart, Ronald. 1999. *Trust; Well-being and Democracy*. In Warren Marke (ed.) *Democracy and Trust*. Cambridge: Cambridge University Press. 88-120
- Johnston, L. D; Bachman. J.G; P.O Malley. 1993. *Monitoring The Future: Questionnaire Responses from The Nation's High School Seniors 1991*. Ann Arbor. MI: Institute for social research.
- Luhmann; Niklas. 1979. *Trust and Power*. New York: Wiley.
- Mistal, Barbara A. 1997. *Trust in Modern Societies*. Oxford: Blackwell.
- Newton, Kenneth. 2002. *Social Trust and Political Disaffection Social Capital and Democracy*. EURSCO conference on social capital: Exeter.
- Orren. Gary. 1997. *Fall from Grace: The public's Loss of Faith in Government*. In Josephs Nye. Philip D. Zelikow and David C. King (eds) *Why Americans Mistrus Government*. Cambridge Mass: Harvard University Press.

- Putnam, Robert. 1993. *Making Democracy Work: civic Traditions in Modern Italy*. princeton: princeton University press.
- Putnam, Robert. 2000. *Bowling Alone: The collapse and Revival of American community*. New York: simon and schuster.
- Resenberg, Mark. 1956. *Misanthropy and political ideology*. american sociological review 21:690-5.
- Simmel, georg. 1950. *The sociology of Georg simmel*. translated and edited by kurt wolff. Glencoe. Illinois: The free press.
- Uslaner, erich M. 2000. *producing and consuming Trust*. political science Quaterly 115 (4).
- Whiteley, paul. F. 1999. *The origins of social capital, In jan van deth*. Marco Maraffi. ken Newton and paul Whiteley (eds) social capital and European democracy. london: routledge.